

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

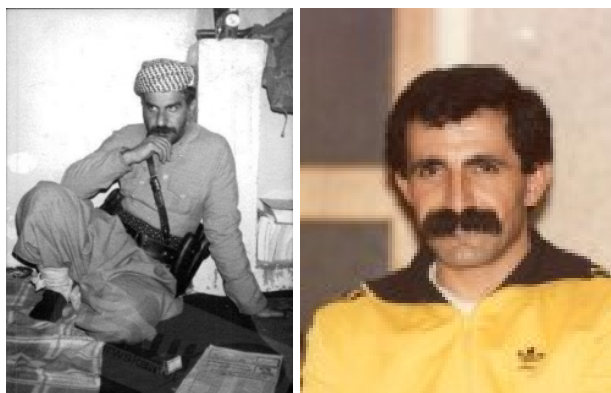
بهرام رحمانی  
۰۲ اگست ۲۰۱۹

## ترور رفقاء غلام کشاورز و صدیق کمانگر!

(بخش چهارم)

رفیق غلام کشاورز، از کادرهای برجسته حزب کمونیست ایران، پناهنده سیاسی در سویدن بود که در سال ۱۹۸۹، برای دیدار مادرش به قبرس (لارناکا) رفت و جنازه اش برگشت. غلام، شبانگاه چهارم شهریور سال ۱۳۶۸ برابر با بیست و ششم اگست ۱۹۸۹، در قبرس (شهر لارناکا)، مورد سوء قصد تروریست‌های حکومت اسلامی ایران قرار گرفت. سه گلوله به غلام اصابت کرده بود که یکی در ناحیه سر بود. او را به بیمارستان نیکوزیا، منتقل کردند و ساعاتی بعد بر اثر خونریزی سر جان باخت. تروریست‌های حکومت اسلامی ایران، غلام را در مقابل چشمان مادرش، برادرش، همسر بردارش و هم چنین همسرش «فریده آرمان» به قتل رساندند.

رفیق فریده آرمان، این واقعه تکان‌دهنده و هولناک را چنین توصیف کرده است: «ساعت نه و نیم شب بود که غلام کشاورز در جلوی چشمان من و برادر و مادرش در لارناکا به قتل رسید. من صدای شلیک زیادی شنیدم و فکر کردم که در جایی آتش بازی است. وقتی برگشتم غلام را دیدم که روی زمین افتاده و خون از او جاری ست، بلافاصله فهمیدم که چه اتفاقی افتاده است و شروع به فریاد کشیدن کرده و کمک می خواستم. فریاد من این بود که قاتلان در سفارت ایران هستند، تمام این لحظات به سرعت اتفاق افتاد.»



در ادامه فعالیت ماشین ترور و کشتار حکومت اسلامی در خارج کشور، ۹ روز بعدتر و در ۱۳ شهریور [سنبله] همان ماه با ترور رفیق صدیق کمانگر یکی از صدیق‌ترین و برجسته‌ترین کادرهای جنبش کارگری و کمونیستی ایران، از بنیان‌گذاران حزب کمونیست ایران و کادرهای اولیه کومه‌له، یار و هم‌رزم غلام کشاورز که توسط یکی از مزدورانش در یکی از مقرات نیروی پیشمرگ کومه‌له در کردستان عراق صورت گرفت، ضربه مهلک دیگری بر پیکر حزب کمونیست ایران، کومه‌له، جنبش کارگری و کمونیستی و جنبش انقلابی کردستان وارد نمود. سران آدم‌کش حکومت اسلامی با ترور رفیق صدیق کمانگر، انتقام شکست و کینه خود از رفیق صدیق را که در مذاکرات بهار خونین سنج آنان را با خفت و خاری به تهران برگشته بودند را گرفتند.

موقعی که غلام ترور شد پولیس امنیتی مرا (بهرام رحمانی) خواست و سؤال کرد که آیا به‌نظر شما این ترورها به ستهلم نیز کشیده خواهد شد؟ من در جواب این سؤال گفتم: چرا این مسأله را از من سؤال می‌کنید که در فاصله کوتاهی دو رفیق هم تشکیلاتی من؛ یکی غلام کشاورز در قبرس و دیگر صدیق کمانگر در کردستان عراق ترور شده‌اند؛ حالا شما انتظار دارید ما در خیابان‌های ستهلم به دنبال تروریست‌های حکومت اسلامی بگردیم و به‌شما معرفی کنیم؟ این کار شماست! نه ما! اگر شما به‌معنای واقعی به دنبال تروریست‌های حکومت اسلامی هستید نخست رفت و آمدها به سفارت حکومت اسلامی و ارتباطات عوامل این مرکز ترور و جاسوسی را تحت نظر بگیرید و دوم این که عوامل شناخته شده حکومت اسلامی را به این کشور راه ندهید. به‌علاوه، گفتم شما می‌گوئید از برگزاری جلسه‌ای در سالونی در «مدبوریارپلاتسن» ستهلم، مطلع بودید که سخنران آن غلام کشاورز و من (بهرام رحمانی) رئیس جلسه آن جلسه بودم. شما چگونه از این چنین جلسه‌ای مطلع شده‌اید؟ در این جلسه علنی، بیش از دویست ایرانی شرکت کرده بودند. از این مقام امنیتی، سؤال کردم که مگر شما مسؤول حفظ امنیت شهروندان و به‌ویژه فعالان سیاسی ایرانی در این کشور نیستید؟ تحقیقات شما درباره تروریسم حکومت اسلامی به کجا رسیده است؟ فردا نوبت ترور کیست؟ تاکنون چند پناهنده سیاسی ایرانی در این کشور، توسط تروریست حکومت اسلامی ترو و یا تهدید به مرگ شده‌اند؟ و یا خانواده آن‌ها را در ایران تحت فشار قرار داده‌اند که فلان عضو خانواده‌شان در سویدن، دست از فعالیت سیاسی علیه حکومت اسلامی بکشند؟ حتی از این مقام امنیتی سویدن سؤال کردم در تظاهرات بیش از پانصد نفره‌ای که ما در محکوم کردن ترور غلام و صدیق در خیابان‌های ستهلم علیه حکومت تروریسم اسلامی برگزار کردیم سه نفر در کنج یکی از کوچه‌های منتهی به خیابانی که تظاهرات در جریان بود به‌طور مخفیانه از تظاهرکنندگان فلم و عکس می‌گرفتند که مسؤولین امنیتی تظاهرات ما، با آن‌ها درگیر شدند. این افراد به عربی صحبت می‌کردند و سعی داشتند فرار کنند. سرانجام پولیس سر رسید و آن‌ها را با خود برد. الان آلبوم عکسی که شما به‌من نشان دادید عکس یکی از آن‌ها دیده می‌شود که می‌گوئید مدت‌هاست که زیر نظر پولیس امنیتی سویدن است و با سفارت ایران همکاری دارد؟ خوب شما با این‌ها چه رفتاری دارید؟ جوابش به من این بود که ما به مقامات دولتی اطلاع می‌دهیم و آن‌ها تصمیم می‌گیرند نه ما. دولت نیز در روابط دیپلماتیک با حکومت اسلامی، عمدتاً آن‌ها را از کشور اخراج می‌کند. تأکید کردم که دلیل اصلی چنین برخوردی با حکومت اسلامی، ناشی از معاملات نهان و آشکار اقتصادی، سیاسی و حتی فروش اسلحه به این حکومت ترور است. آن‌هم معاملات و تجارت چرب و نرمی که دولت سویدن با ایران دارد معلوم است که با آن درگیر نمی‌شود. در حالی که تأمین امنیتی جان و زندگی پناهندگان سیاسی ایرانی و غیرایرانی از تعرض تروریست‌های دولتی، به‌ویژه تروریست‌های حکومت اسلامی ایران در سویدن با دولت سویدن است.

رفیق بهمن جوادی معروف به غلام کشاورز در سال ۱۳۳۴ در روستای نارک از توابع دوگنبدان متولد شد. وی شدیداً فقر و تهیدستی خانواده را تجربه کرده بود و از سوی دیگر، علاقه زیادی به مطالعه و کتابخوانی و مبارزه داشت. وی

در سال‌های ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ با شرکت در محافل مارکسیستی، فعالیت سیاسی خود را آغاز کرد. غلام در سال ۱۳۵۴ و از همان اولین روزهای ورودش به دانشکده کشاورزی کرج جای خود را در محفل دانشجویان انقلابی باز کرد و فعالانه در مبارزات دانشجویی آن دوره علیه حکومت شاه شرکت کرد. وی در اردیبهشت [ثور] سال ۱۳۵۵، توسط مأموران حکومت پهلوی دستگیر شد. در زندان تحت شکنجه و آزار و اذیت قرار گرفت اما او قهرمانانه مقاومت کرد. غلام در سال ۱۳۵۷، با قیام میلیونی توده‌های انقلابی علیه حکومت پهلوی همراه با هزاران زندانی دیگر، توسط مردم انقلابی از زندان آزاد شد. وی در آن دوران، فعالانه به کار سیاسی، تبلیغی و ترویجی در میان انقلابیون و کارگران پرداخت. اوایل زمستان سال ۱۳۵۸، همراه با گروهی از رفقاء و همفکرانش به سازمان اتحاد مبارزان کمونیست پیوست. در شهریورماه [سنبله] سال ۱۳۶۱ در کنگره اتحاد مبارزان کمونیست شرکت کرد و پس از آن به عضویت در کمیته اصفهان این تشکیلات برگزیده شد. به دنبال ضربه حکومت تازه به قدرت رسیده اسلامی به تشکیلات اتحاد مبارزان کمونیست، غلام در زمستان سال ۱۳۶۱ به مناطق آزاد کردستان رفت. رفیق غلام در شهریور [سنبله] ماه سال ۱۳۶۲ در کنگره مؤسس حزب کمونیست ایران شرکت کرد و از بنیان‌گذاران توانای این حزب بود. رفیق غلام کشاورز در تمام سیر پرتحول پیشروی حزب کمونیست ایران، یکی از برجسته‌ترین کادرهاش بود. او با به‌عهده داشتن رهبری ارگان‌های اصلی حزب مانند عضویت در کمیته سازمانده تشکیلات شهرهای ایران، کمیته خارج کشور حزب، کمیته رادیو صدای حزب کمونیست ایران و مسئولیت سازماندهی فشار سیون شوراهای پناهندگان ایرانی در خارج کشور و عضویت در کمیته مرکزی حزب، با توانایی و تجربه بسیار در عرصه سیاسی و سازماندهی نقش برجسته و مهمی را ایفاء کرد.

این ترور، یکی از صدها ترور سازمان‌یافته حکومت اسلامی در خارج کشور بود. این ترورها زیر نظر وزارت اطلاعات کشور به سرپرستی علی فلاحیان و با نظارت و دستور مستقیم رفسنجانی صورت می‌گرفت. فلاحیان در تابستان ۱۳۶۹ زمانی که وزیر اطلاعات بود در یک مصاحبه تلویزیونی اعلام کرد: «مأمورین اطلاعاتی جمهوری اسلامی فعالانه مراقب مخالفین جمهوری اسلامی در خارج از کشور بوده و به گروهک‌های ضد انقلاب ضربات مؤثری وارد کرده‌اند.»

«دیدار در لارناکا»، نام کتابی است که چند سال پیش به زبان سوئدی، در سوئد منتشر شده است. نویسنده آن، خانم آذر محلوچیان، نویسنده و مترجم و عضو انجمن قلم سوئد است. موضوع این کتاب، ترور یک فعال سیاسی به نام غلام کشاورز (بهمن جوادی) است که به‌صورت یک رمان سیاسی - جنایی نوشته شده است.

\*\*\*

رفیق صدیق کمانگر، ساعت ۲ نصف شب ۱۳ شهریور [سنبله] ماه سال ۱۳۶۸، و دو روز بعد از سخنرانی تاریخی‌اش در سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران که کارگران را فراخواند که «این حزب، حزب شما است آن را به دست بگیرید»، در محل کارش در یکی از مقرهای نظامی کومه‌له در نزدیکی شهر رانیه در کردستان عراق و پس از نوشتن آخرین مطلب برای رادیو «صدای انقلاب ایران»، توسط مزدوری که در صفوف پیشمرگان کومه‌له از جانب حکومت اسلامی سازماندهی شده بود، ترور شد و یک ساعت بعد جان باخت.

حکومت اسلامی ایران، از همان جلسات نخست سندنج که به «نوروز خونین سندنج» معروف شد، خشم و نفرت عمیقی نسبت به رفیق صدیق کمانگر در دل داشت. بسیاری از سران آن دوره حکومت اسلامی، در جلسه سندنج حضور داشتند و در برابر سؤال تحریک‌آمیز «طالقانی» که پرسیده بود «صدیق کمانگر کیست که فرمان حمله به پادگان سندنج را صادر کرده است؟» با جواب قاطع و جسورانه صدیق کمانگر که از میان حاضران در جلسه، با صدای بلند و قاطع گفته

بود: « من صدیق کمانگر هستم و در برابر فرمان یورش شما به مردم شهرم، فرمان مقاومت و خلع سلاح پادگان را صادر کرده‌ام.» اعضای هیأت از جمله رفسنجانی و دیگران تلاش کرده بودند تا برای آرام کردن فضای جلسه، این سؤال «طالقانی» را توجیه کرده بودند. حکومت اسلامی و سرانش از آن جلسه به بعد، همواره از صدیق کمانگر به‌عنوان رهبر مردمی، جسور، سخن‌وری کم‌نظیر و حشت داشتند و در پی انتقام بودند.

رفیق صدیق کمانگر در سال ۱۳۲۵ در روستای «آفریان» از توابع شهر کامیاران، چشم به جهان گشود. دوره ابتدائی تحصیلاتش را در شهرهای قروه و سنقر کلیایی به پایان رساند. سپس همراه خانواده‌اش به شهر کرمانشاه نقل مکان کرد و دوره متوسطه را نیز در این شهر با موفقیت پشت سر گذاشت. وی در سال ۱۳۴۴، وارد دانشگاه تهران شد و در رشته ادبیات به تحصیل ادامه داد. یک سال بعد بنابه علاقه‌ای که به رشته حقوق داشت، وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۵۰، تحصیلات دانشگاهی را با موفقیت به پایان رساند.

در سال‌های دهه ۵۰، در جریان اختلاف بین دهقانان زحمت‌کش روستای «دارسیران» مریوان با مالکین و فنودال‌های محلی، که به‌تدریج شکل یک مبارزه توده‌ئی را به‌خود گرفته بود، در نقش یک وکیل شجاع و مبارز جانب دهقانان را گرفت و به دفاع از حقوق آنان برخاست. به این ترتیب، رفیق صدیق با این اقدام جسورانه خود، به یک چهره توده‌ئی انقلابی و رزمنده در میان محرومان منطقه تبدیل شد.

در سال‌های بعد و به‌ویژه در اوایل انقلاب ۱۳۵۷ و در جریان تظاهرات مردمی علیه حکومت پهلوی، رفیق صدیق دیگر به یک چهره شناخته شده و رهبر انقلابی در برابر ارتجاع تبدیل شد که می‌خواست در کردستان نیز مانند سایر نقاط ایران، مسیر انقلاب با موفقیت طی شود.

صدیق کمانگر در تیرماه [سرطان] سال ۱۳۵۷، در حمایت و پشتیبانی از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در زندان شهر سنندج اولین تحصن در ساختمان دادگستری این شهر را سازمان داد. وی در سال ۱۳۵۷، به‌عضویت هیأت مرکزی کانون و کلاء و جمعیت حقوق‌دانان ایران در آمد و در تشکیل کانون معلمان شهر سنندج نیز نقش فعالی بر عهده گرفت. رفیق صدیق یکی از مؤسسين اصلی جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب در شهر سنندج و سخن‌گو و مسؤول آن بود.

۲۲ بهمن [دلو] سال ۱۳۵۷، صدیق کمانگر از مرکز تلویزیون سنندج خطاب به مردم مبارز منطقه پیامی فرستاد و پیروزی قیام را به مردم مژده داد. در ۲۸ بهمن همان سال، به ابتکار کومه‌له شورای موقت انقلاب شهر سنندج تشکیل شد و رفیق صدیق کمانگر مسؤولیت سخن‌گویی این شورا را بر عهده گرفت.

رفیق صدیق، در جریان نوروز خونین سنندج و در رأس شورای انقلابی شهر، تداعی شدنش با مطالبات و جنبش‌های حق‌طلبانه مردم محروم و ستم‌دیده شهر و روستا در جنوب کردستان، شرکت در هدایت جنگ انقلابی در کردستان، تبلیغات سوسیالیستی و آگاه‌گرانه برای کارگران در موقعیت یک کادر سرشناس حزب کمونیست ایران، و نهایت شرکت در فعالیت‌های متنوع سیاسی و تشکیلاتی به‌عنوان عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران و کمیته مرکزی کومه‌له، بخشی از کارنامه درخشان رفیق صدیق کمانگر را تشکیل می‌داد.

سران حکومت اسلامی، بیش از ده سال کینه و هراس از صدیق کمانگر را با خود داشتند، از این رو، ارگان‌های امنیتی آن از مدت‌ها پیش برای ازبین بردن رفیق صدیق برنامه ریخته و مزدور پرورش داده بودند. تا این‌که متأسفانه در این نقشه خود موفق شدند و رفیق صدیق کمانگر این رهبر پر توان و خستگی‌ناپذیر و جسور را ترور کردند.

رفیق صدیق دو روز قبل از مرگش، سخنران سال‌روز تأسیس حزب کمونیست ایران در مقر مرکزی کومه له در «بردانگاه» بود خطاب به کارگران چنین گفت: «کارگران حزب کمونیست ایران حزب شماست، این حزب را فتح و در دست بگیرید.»

\*\*\*

تروریسم دولتی، زمانی است که دولت‌ها به‌صورت سازمان‌یافته و تثبیت‌شده از طریق اعمال قدرت به حذف فزایکی افراد می‌پردازند که از جمله آن‌ها می‌توان به اقدامات تروریستی حکومت اسلامی ایران اشاره کرد. «ویلیام پرد» نویسنده کتاب «تروریسم و دولت» دوازده ویژگی برای تشخیص تروریسم دولتی برشمرده است که عبارتند از:

۱. اقدامات سیاسی دولتی نسبت به مردم خویش برای اعمال تسلط از راه ایجاد ترس که می‌تواند با کنترل اخبار مطبوعات، لغو گردهمایی‌های گروه‌ها، ضرب و شتم، شکنجه، توقیف‌های وسیع، محاکمات ناعادلانه و اعدام‌های سریع تحقق پیدا کند؛

۲. حمله مسلحانه قوای نظامی یک دولت به اهدافی از دولت دیگر که در آن شهروندان ساکن بوده و خطر متوجه آن‌هاست؛

۳. تلاش در جهت از بین بردن مأموران دولت‌های دیگر؛

۴. اشغال نظامی یک کشور، خواه به صورت کنترل مستقیم، یا به صورت ایجاد پایگاه عملیاتی؛

۵. عملیات پنهان به وسیله تشکیلات امنیتی، یا سایر نیروهای یک دولت که در پی بی‌ثبات کردن، یا ساقط کردن دولت دیگر است؛

۶. تبلیغات مبتنی بر مطالب نادرست توسط یک دولت با هدف بی‌ثبات کردن دولت دیگر و ایجاد حمایت عمومی از نیروهای هدایت شده در کشور دیگر؛

۷. عملیات نظامی، مانورها، یا بازی‌های انجام شده از سوی یک دولت خارج از سرزمین، یا آب‌های سرزمینی آن؛

۸. به کارگیری و حمایت مزدوران نظامی توسط یک دولت به‌منظور ساقط کردن حکومت کشور دیگر؛

۹. حمایت از دولت‌هایی که حق تعیین سرنوشت مردم را نفی می‌کنند؛

۱۰. فروش تسلیحات در حمایت از استقرار جنگ‌های منطقه‌ای با وجود تلاش‌هایی که در جهت یافتن راه‌حل سیاسی صورت می‌گیرد؛

۱۱. انتقال سلاح‌های هسته‌ای توسط یک دولت به سرزمین، آب‌ها، یا فضای هوایی دولت‌های دیگر، یا در آب‌ها و فضای بین‌المللی؛

۱۲. توسعه، آزمایش و به کارگیری سیستم‌های تسلیحاتی فضائی و هسته‌ای و سایر تسلیحات با قدرت تخریبی وسیع که در شرایط اجتماعی کشتار جمعی، یا تخریب محیط زیست را افزایش می‌دهد.

ادامه دارد.

چهارشنبه نهم مرداد [اسد] ۱۳۹۸ - سی و یکم جولای ۲۰۱۹